

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

تاریخی

سازمان انقلابی افغانستان

۲۸ دسمبر ۲۰۱۳

تاریخ، نبرد طبقاتی

بخش یازدهم

انشعاب جنبش بین المللی کمونیستی و تأثیر آن در افغانستان

تفکر مارکسیستی که به وسیله کارل مارکس و فریدریش انگلس دو دانشمند و دو انقلابی کبیر جهان بنیانگذاری شد، با انتشار «مانیفست حزب کمونیست» در جنوری ۱۸۴۸، به عنوان تئوری رهائی زحمتکشان جهان قد برافراشت که با دو خصوصیت «عملی و طبقاتی» با تمام اندیشه های آن زمان تفاوت داشت. این تئوری در دوران رقابت آزاد سرمایه جهت رسیدن به جامعه بی طبقه به عنوان علمی ترین و مکمل ترین تفکر در زمینه های سیاسی، فلسفی و اقتصادی عرض اندام نمود.

اولین انقلاب پرولتری که بر اساس تئوری مارکسیزم، دیکتاتوری پرولتاریا را در نقطه ای از جهان مسلط ساخت، کمون پاریس (۱۸۷۱) بود. کمون پاریس با این که در ۷۲ روز قدرت، حقانیت مارکسیزم را در عمل به اثبات رساند، اما با اشتباهات عمیق رهبران کمون به زودی شکست خورد و مارکس از شکست آن جمعبندی مبسوطی ارائه داد و درس های مهمی برای خلق های جهان به جا گذاشت.

جنبش های پرولتری در آغاز ۱۹۰۰ میلادی در روسیه اوج گرفت که بعد بلشویک ها رهبری این جنبش را در دست گرفتند. جنگ اول جهانی که شکست روسیه را در پی داشت، بلشویک ها را در پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر ۱۹۱۷ یاری رساند. ولادیمیر ایلچ لنین تئوری پیروزی انقلاب پرولتری در یک کشور و انجام انقلاب در حلقه ضعیف امپریالیستی در چارچوب اصول مارکسیزم را مطرح و به پیروزی رساند، زیرا دوران رقابت آزاد به امپریالیزم و انحصار گذار کرده بود و به این خاطر لنینیسم، مارکسیزم عصر امپریالیزم تعریف شد.

جنگ جهانی دوم با این که جان ۵۲ میلیون انسان را گرفت و سرمایه های بسیاری را برباد داد، اما توده های زحمتکش را در بسیاری از کشورهای جهان تکان داد. هفت کشور اروپای شرقی به سوسیالیزم گذار کردند و در ۱۹۴۹ انقلاب توده ئی به رهبری مائو در جمهوری خلق چین به پیروزی رسید. بعداً این انقلابات در هر پنج قاره گسترش یافت و اردوگاه نیرومند سوسیالیستی را به وجود آورد.

مریضی و مرگ زود هنگام لنین (۱۹۲۴) راه را برای قدرت ستالین در حزب و دولت اتحاد شوروی باز کرد. وی که معمار اصلی ساختمان سوسیالیزم در کشور شوراهای و قهرمان شکست فاشیسم هیتلری در جنگ دوم جهانی شد، راه لنین را با اشتباهات دردناکی دنبال کرد و بالاخره در ۱۹۵۳ پدرود حیات گفت. مرگ ستالین با کودتای خروشچف در درون

کشور شوراهای همراه گشت. او در کنگره بیستم حزب کمونیست، از عملکرد ستالین انتقاد نمود و به تصفیه کادرهای شایسته حزب پرداخت. در کنگره ۲۲ با دیکتاتور خواندن ستالین قبرش را محاکمه کرد و تزه‌های رویزیونیستی سه مسالمت، دو عموم خلق و راه رشد غیرسرمایه داری را مطرح نمود.

حزب کمونیست چین در ۱۹۲۱ به رهبری «چن دو سیو» تأسیس شد. این حزب در اکتوبر ۱۹۳۵ راهپیمایی طولانی را طی دو سال موفقانه به سر رساند و در جریان این راهپیمایی در منطقه «زون ای» در ۱۹۳۶، کنفرانس حزب برگزار و مائوتسه دون به رهبری حزب کمونیست برگزیده شد. در جریان جنگ دوم که بخشی از چین به اشغال جاپان درآمد، حزب کمونیست با حزب گومیندان که قدرت دولت را در دست داشت، اتحاد بست و بعد از شکست جاپان، گومیندان تصمیم به خلع سلاح حزب کمونیست گرفت، اما دیگر حزب کمونیست به قدرت انکارناپذیری مبدل شده بود و طی جنگ هائی از ۱۹۴۵ تا ۱۹۴۹، بر چانکایچک غالب گشت و دولت دمکراتیک خلق چین را بنیان گذاشت. چانکایچک به جزیره تایوان گریخت و زیر حمایت مستقیم امپریالیزم امریکا دولت خود را ساخت که بازماندگان او تا امروز زیر سایه ۴۰ هزار سرباز امریکائی قدرت می رانند. جمهوری توده ئی چین در ۱۹۵۶ گذار از جامعه دموکراتیک به جامعه سوسیالیستی را اعلان کرد و یک دهه بعد از آن انقلاب فرهنگی در چین آغاز شد که ۱۰ سال به درازا کشیده حین اجراء در کنار دستاورد های بزرگ، اشتباهات زیادی هم رخ داد. دینگ سیاوپنگ که در جریان انقلاب فرهنگی به عنوان عامل بورژوازی افشاء شد، در ۱۹۷۳ دوباره به مقامات بالای حزب رسید و تز «تئوری سه جهان» را در سازمان ملل به عنوان سیاست خارجی چین مطرح نمود. او بعد از مرگ مائو در ۱۹۷۶ رهبری حزب و دولت را در دست گرفت و به همان راهی رفت که خروشچف در شوروی رفته بود. به این صورت سرمایه داری در چین احیاء گردید و اینک با اقتصاد بازار به دومین قدرت اقتصادی جهان مبدل شده است.

برخی از احزاب کمونیستی دنیا با پذیرش تزه‌های جدید خروشچف راه رویزیونیزم را برگزیدند و برخی دیگر با رد این تزه‌ها در موضع لنینی باقی ماندند. چین و آلبانی تزه‌های خروشچف را رویزیونیستی خواندند و این گونه اردوگاه سوسیالیزم شق خورد. حزب کمونیست چین در نوشته «نه تفسیر» چهره واقعی ضد انقلابی و رویزیونیستی خروشچف را برملا ساخت و منبع تئوریک مهمی برای کمونیست های جهان شد. به این صورت اثرات این انشقاق در افغانستان باعث ایجاد دو تشکیلات «حزب دموکراتیک خلق» و «سازمان جوانان مترقی» گردید.